

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال نوزدهم / دوره جدید / شماره ۶۰ / پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صص ۱۶۵-۱۸۱ (مقاله علمی - پژوهشی)

واکاوی نقش مجله الأزهر در تبیین هویت گفتمان تقریب مذاهب اسلامی



- منوچهر ایزدی نیا
دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول)
izadi1347@yahoo.com
- عبدالکریم بی‌آزار شیرازی
دانشیار دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی
dr.abdk.biazar@gmail.com
- احمد بادکوبه هزاوه
دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران
hazaveh@ut.ac.ir
- مهدی جمالی فر
استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی
jamalifar90@gmail.com
- عبدالله فرهی
استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی
farrahi.as@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲۲



چکیده

در میانه‌های قرن بیستم میلادی، «مجله الأزهر» نقش مؤثری بر تبیین هویت گفتمان تقریب بین مذاهب اسلامی داشت. این مجله از سوی دانشگاه الأزهر مصر منتشر می‌شد که در آن زمان از آزادی عمل در سیاست‌گذاری آموزشی برخوردار بود و این آزادی عمل در مجله الأزهر هم متبلور گشت. پرسش اصلی این پژوهش این است که مجله الأزهر چگونه از سازوکارهای گفتمانی همچون «غیریت‌سازی»، «برجسته‌سازی»، «حاشیه‌رانی» و به تبع آن «مفصل‌بندی» فعالیتها و افکار کنشگران این گفتمان، در تبیین جایگاه هویت گفتمان تقریب و نهادهای برآمده از آن مانند دارالتقریب، استفاده کرده است؟ پژوهش پیش رو تلاش نموده است براساس داده‌های جمع‌آوری شده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی شمارگانی از مجله الأزهر که بین سالیان ۱۹۳۷ تا ۱۹۶۰م منتشر گردیده و نیز رصد فعالیت کنشگران فعال در این گفتمان، چگونگی کاربست سازوکارهای گفتمانی را در مفصل‌بندی هویت گفتمان تقریبی واکاوی نماید. در پایان به این نتیجه رسیده است که رویکرد «فلسفی» و «اخلاقی» علت اصلی انتشار اندیشه تقریب در مجله الأزهر بوده است. به این ترتیب، ظرفیت ایجاد گفتمان تقریبی با رنگ و بوی فلسفی و اخلاقی بر مبنای تشابهات میان مذهبی و تسامح نسبت به تفاوت‌های ظاهری، مهم‌ترین دستاورد این کار پژوهشی به‌شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: تقریب مذاهب اسلامی، مجله الأزهر، هویت، گفتمان تقریبی، مصر، ایران.

مقدمه

یکی از پایه‌های اصلی آن را افرادی تشکیل می‌دادند که فراتر از مذهب و در فکر ایجاد تمدن اسلامی بودند. در ایران سید حسین بروجردی با تربیت شاگردانی چند و با تأییدات مادی و معنوی حرکت محمدتقی قمی در مصر، نقش عمده‌ای در ترویج تفکر تقریبی در شیعه داشت. در حقیقت بروجردی یکی از آخرین حلقه‌های علمای اصولی برآمده از مکتب آخوند خراسانی بود که به علت مطالعات فراوان و گسترده ضرورت تفکر تقریب را درک نمود. علمای عراق و لبنان از جمله محمدجعفر کاشف الغطاء و محمدجواد مغنیه در حقیقت دنباله رو وی‌اند. در مصر اشخاصی مانند عبدالمجید سلیم و محمود شلتوت بنیانهای تفکر تقریبی را بنا نهادند. مصطفی عبدالرزاق به‌عنوان ریاست الأزهر از فرصت کافی برای شکل دادن جریانی تقریبی برخوردار بود و در طی دهه ۱۹۴۰-۱۹۵۰م نقش بارزی در گسترش اندیشه تقریب داشت. مهم‌ترین نکته در تفکر تقریب عبور از مرزبندیهای ظاهری بین مذاهب و پیوند دادن

جریان تقریب مذاهب اسلامی در اواسط قرن بیستم در ایران، مصر و عراق به گفتمانی فراگیر تبدیل شد. تقریب مذاهب اسلامی از جنبشهای علمی، عملی در دنیای اسلام است که با تلاش «محمدتقی قمی» و چندین تن از دانشمندان ایرانی، مصری و عراقی در سال ۱۹۴۷م در قاهره شکل گرفت. شاخصه اصلی جنبش مذکور تولید متون علمی در راستای گفتمان تقریب مذاهب اسلامی است. تکیه‌گاه اصلی گفتمان تقریب در مصر بر اساس رویکرد دانشگاه الأزهر به مذاهب اسلامی شکل گرفت. مجله اصلی گفتمان تقریب مذاهب، مجله «رساله الاسلام» بود که بیان‌کننده آرای مؤسسان «دارالتقریب» است؛ اما مجلات دیگری از جمله مجله الأزهر که توسط دانشگاه الأزهر انتشار می‌یافت نیز در واقع انتشار دهنده تفکر تقریبی بود. تفکر تقریب را باید کمی قبل از تأسیس دارالتقریب در دانشگاه الأزهر دنبال نمود. نزدیکی میان دو کشور ایران و مصر در دهه بیست شمس‌ی اگرچه علل سیاسی داشت؛ اما

آنها در ابعاد فلسفی بود به گونه‌ای که ظاهر شریعت را بدون تعصب فرقه‌گرایانه حفظ نماید. عبدالرزاق استاد فلسفه و مؤسس کرسی فلسفه در دانشگاه الأزهر بود (داج، ۱۳۶۷ش، ص ۱۶۱). توجه به علمی مانند فلسفه،^۱ محور قرار دادن قرآن و توجه به ابعاد فلسفه تاریخی ادیان، توجه به سیره پیامبر به عنوان الگوی برتر زندگی از ویژگیهای این طرز تفکر است.

در این دیدگاه ابعاد فلسفی و اخلاقی از مذاهب گوناگون اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از اوایل قرن بیستم فضایی همگون جهت ایجاد گفتمان تقریب فراهم شد. گفتمان تقریب بر پایه مفاهیم و مفصل‌بندیهای فلسفی و اخلاقی شکل گرفت که کمتر به ظواهر مذهب اعتنا داشت. مهم‌ترین شاخصه گفتمان تقریب، هویت‌سازی در جهت همبستگی جوامع اسلامی و یاری به ارتقای سطح همکاری مشترک در نهادهای اجتماعی است. هویت فرآیند معنی‌سازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ای به هم پیوسته از ویژگیهای فرهنگی است که بر منابع معنایی دیگر اولویت داشته باشند (کاستلز، ۱۳۸۰ش، صص ۲۲-۲۳). در حقیقت گفتمان تقریب با ارائه مفصل‌بندیهای جدید در تلاش بود تا صورت نوین هویت جهان اسلام را مقوله‌بندی نماید. این تلاش در مجلات دانشگاه الأزهر قابل مشاهده بود. بر این اساس این سؤال مطرح می‌شود که مجله الأزهر در تبیین مفصل‌بندی تقریب مذاهب اسلامی چه نقشی داشته است؟

به لحاظ پیشینه پژوهش آثار زیادی را نمی‌توان نام برد. کتاب داج بایارد با عنوان «دانشگاه الأزهر: تاریخ هزار ساله تعلیمات عالی اسلامی»، به گونه‌ای گذرا به موضوع مقاله حاضر اشاراتی نموده است. راینر برورنر در کتاب «الأزهر و الشیعه: التقریب الإسلامی فی القرن العشرين»، نیز توانسته است تا حدودی به این نقش

۱. منظور از فلسفه، همه مکاتب فلسفی موجود در غرب و عالم اسلام است. فضای علمی موجود در الأزهر به لحاظ فلسفی، منحصر به مکتب خاص از فلسفه نبود. از این رو با وجود توجه به فلسفه اسلامی (بیشتر نحله‌هایی فلسفی غرب دنیای اسلام مانند ابن رشد)، با نگاهی انتقادی به فلسفه غرب نیز نظر داشتند.

توجه نماید. همچنین مقاله «برنامه اصلاحی حوزه علمیه قم و الأزهر و کارآمدی آنها در تحولات سیاسی ایران و مصر» از محمدعلی میرعلی به اصلاحات الأزهر توجه نموده است. مقاله نفیسه دهبان با عنوان «گذری تفصیلی بر دارالتقرب مصر» نیز به اجمال دارالتقرب را مورد ارزیابی قرار داده است. تفاوت اساسی مقاله حاضر با پیشینه پژوهش در دو جهت عمده است. اول اینکه مقاله پیش رو بر مجله الأزهر تأکید نموده و تلاش دارد نقش آن را روشن نماید در حالی که پیشینه پژوهش تنها بر کلیت تقریب مذاهب توجه نموده‌اند. دوم اینکه در نوشته پیش رو سعی شده با به‌کار بستن رویکرد تحلیل گفتمانی به بن‌مایه‌های هویتی که مجله الأزهر در صورت‌بندی آن دخیل بوده، دست یابد در حالی که در پیشینه تحقیق به این رویکرد و به روش تحلیل گفتمان توجهی نشده است.

مجله الأزهر و ارتباط آن با تقریب مذاهب اسلامی

مجله الأزهر به عنوان نمای بیرونی اندیشه‌ورزی در الأزهر، دلیلی بر رسوخ تفکر تقریب در آن است. در این مقاله سعی گردیده، با بررسی شمارگانی از این مجله که بین سالیان ۱۹۳۷ تا ۱۹۶۰ به چاپ رسیده است، شمه‌ای از مفصل‌بندی مجله الأزهر که متأثر از اندیشه تقریبی است مورد مذاقه قرار گیرد. الأزهر از سال ۱۹۳۰م. برای ترویج تفکر اسلامی به چاپ مجلات روی آورد. یکی از شاخصه‌های مهم فضای مذکور، نقش مجله الأزهر در ترویج رویکرد خاص فلسفی، اخلاقی به دین، در راستای تولید محتوای همگرا در جهان اسلام بود. در سال ۱۳۵۲ق/ ۱۹۳۲م زمینه اصلاحات قانون آموزش توسط ملک فؤاد در مصر فراهم شد. در متمم این قانون، جزئیات دقیق برنامه تحصیلی دوره‌ی فوق‌لیسانس تشریح شد (داج، ۱۳۶۷ش، ص ۱۵۱). چنان‌که دولت هزینه لازم جهت گسترش ارتباط الأزهر با نقاط گوناگون جهان را باید فراهم می‌کرد. دو برنامه اساسی برای نشر اسلام





مورد توجه قرار گرفت. اول ارسال هیئت تبلیغی به کشورهای چین، ژاپن، حبشه و آفریقای جنوبی بود. دوم به منظور ایجاد نظام گفتمانی همگرا و منظم، مجلاتی زیر نظر دانشگاه الأزهر به فعالیت پرداختند. نخستین نشریه الأزهر به نام «نور الاسلام (مجله الأزهر)» در سال ۱۳۴۹ق/۱۹۳۱م منتشر شد. این مجله در ابتدا توسط هیئت کبار علمای مصر انتشار یافت. هدف از انتشار مجله الأزهر بنا بر گفته مؤسسان آن، دفاع از اصول دین و حقایق الهی بود آن چنان که اتصال روحی میان دانشگاه الأزهر و مسلمانان جهان به واسطه این مجله برقرار گردد (وجدی، فاتحة السنة السادسة، ۱۳۵۴ق، ص ۳).

افکار شخصیت‌های برجسته تقریب مانند مصطفی المراغی در این دوره بر مجله تسلط داشت. مصطفی عبدالرازق جانشین مصطفی المراغی، از پیروان محمد عبده و استاد فلسفه دانشگاه قاهره و وزیر اوقاف بود و در دوران دو ساله ریاست خویش، اعزام دانش آموختگان الأزهر به اروپا را تشویق نمود (داج، ۱۳۶۷ش، ص ۱۶۱). در طول دهه سی قرن بیستم میلادی تسلط تفکرات عقل‌گرایانه و اخلاقی بر مجله الأزهر مشهود است به گونه‌ای که می‌توان با اطمینان ادعا نمود که ادامه این روند باعث تسهیل و پذیرش ایجاد دارالتقریب در مصر شد. گفتگوهای علمی المراغی و بروجردی در دوره چند ساله با وساطت محمدتقی قمی، سبب رشد تفکرات تقریبی در مشیخه الأزهر^۲ و مجله الأزهر شد.

روند رشد تفکرات تقریبی در مجله الأزهر از دو راه قابل پیگیری است. اول از طریق سوژه‌گی^۳ نویسندگان مجله الأزهر و رساله الاسلام و دوم توجه

به ساختارهای اندیشه‌ورزی در مجله الأزهر. در مورد سوژه‌گی نویسندگان دو مجله می‌توان به مواردی چند اشاره نمود. از جمله اینکه محمدفرید وجدی نزدیک به ده سال مدیریت مجله الأزهر را بر عهده داشت. وی مقالات متعددی در مجله دارالتقریب، رساله الاسلام به چاپ رساند و نقش بارزی در ارائه تفکر تقریبی حول شخصیت پیامبر بازی نمود (وجدی، ۱۳۶۸ق، صص ۱۵۰-۱۵۳). همچنین محمد محمد المدنی به عنوان یکی از سران تقریب و گردانندگان مجله رساله الاسلام، مقالات متعددی را در موضوع فقه و قرآن در مجله الأزهر به چاپ رساند (المدنی، ۱۳۶۷ق، صص ۸۸۵-۸۹۱). علاوه بر آن محمود شلتوت و عبدالمجید سلیم، سردبیران رساله الاسلام، آثار و مقالات متعددی را در مجله الأزهر منتشر کردند. این موضوع نشان دهنده رسوخ اندیشه تقریب در مجله الأزهر بود. علت پذیرش و انتشار تفکر تقریب در مجله الأزهر در رویکرد فلسفی و اخلاقی آن بود. مذهب از نگاه آنان به مکاتب گوناگون درون یک دین اطلاق می‌شد که همه در یک راستا و بر پایه اصولی یکسان بنا شده بود. از این رو توانایی ایجاد گفتمان در این نگاه بر اساس تشابهات موجود هر مذهب و تسامح در تفاوت‌های ظاهری آنان بود.

مجله الأزهر و منابع هویت دهی به گفتمان تقریب مذاهب اسلامی

مجله الأزهر به منظور ترویج چارچوب مفهومی تفکر تقریبی، از منابع مشخصی استفاده کرده است. بررسیها نشان می‌دهد منابع مورد نظر جهت تبیین هویت‌دهی به نهضت تقریب اسلامی به شکل هدفمند و در قالب برنامه‌ریزی مدون و پلکانی مورد استفاده قرار گرفت. مهم‌ترین و شاخص‌ترین منابع مورد استفاده در مجله الأزهر در این امر، شامل قرآن، سنت، عقل و تاریخ بوده است.

۲. مشیخه الازهر در حقیقت بخشی از دانشگاه الازهر محسوب می‌شود که دفتر شیخ الازهر در آن قرار گرفته و دارای بخشهای متعددی همچون معاهد الازهریه است و شامل مراکز تعلیمی از دبستان تا پیش دانشگاهی است.

۳. سوژه‌گی یا سوژه‌گی سیاسی به موقعیتی اشاره دارد که موقعیت یک گفتمان به سبب بی‌قراری اجتماعی و عاملیت فردی، در معرض تهدید قرار گیرد.

۱. قرآن

قرآن به‌عنوان اولین و مهم‌ترین شاخصه در تبیین هویت گفتمان تقریب مذاهب اسلامی، مورد توجه مجله‌الآزهر بوده است. این امر شاخصه اصلی ساختار دانشگاهی الأزهر بوده است. دانشگاه الأزهر در این زمینه دو برنامه راهبردی را به مرحله اجرا نهاده است. اولین برنامه الأزهر ایجاد فضایی قرآنی با استفاده از ترویج زبان قرآن و کاربرد استعارات و محاورات قرآنی بوده است. در این زمینه پرورش قاریان و حافظان قرآن مطمع نظر واقع گردید. دومین برنامه الأزهر در تبیین علمی بر اساس قرآن بود. در این رویکرد مجله‌الآزهر نقش بسیار مهمی بر عهده داشت. الگوی رایج برای تبیین مفاهیم قرآنی در مجله، سرعنوانی با موضوع «نفحات القرآن» را شامل می‌شد. در این عنوان اغلب روش عقلی تفسیر قرآن دنبال شد و مشخصاً عبرت اجتماعی و تعبیرات عقلی از حیث مقتضیات زمان مورد توجه بود (السبکی، ۱۳۷۵ق، صص ۱۰-۶). باید توجه داشت که تفسیرهای ارائه شده در مجله‌الآزهر بر اساس تفکری نوین بازتعریف گردید. ظاهراً روش تفسیری در مجله، تفاوت روشی با تفاسیر کهن نداشت. در آغاز به بیانی از آیات اکتفا می‌شد و شأن نزول آن مورد توجه قرار می‌گرفت. سپس مفردات آیه و احیاناً نظرات گوناگونی که در باب آیه بنا بر نقل بزرگان تفسیری وجود داشت، مورد توجه قرار می‌گرفت. از روشهای رایج در تفسیر استفاده از مآثور پیامبر و تاریخ است (الجبالی، ۱۳۵۶ق، صص ۵۳۹)؛ علاوه بر این در مجله‌الآزهر به فراخور موضوعات و در مقالات متعدد، به‌طور مکرر ارجاع‌دهی به متن قرآن قابل مشاهده است. قرآن در این جهت اغلب نمادی برای نزدیکی میان امت اسلامی تلقی گردید. تمرکز بر آیاتی چون «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (مائده، ۵۴) و نیز «فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» (آل عمران، ۱۰۳) برای دلالت‌های قرآنی محبت مؤمنانه در ارتباطات اجتماعی، نشان از وجود تفکری روشمند جهت استفاده از آیات

قرآن دارد. همچنین نشانه‌هایی از محوریت یافتن عقل در تفاسیر قرآن دیده شد که بنا بر استنباط نویسنده از شیعه به وام گرفته شده است (المدنی، ۱۳۶۷ق، صص ۸۹۱-۸۸۵).

۲. سنت نبوی

دومین منبع مهم هویت‌دهی به گفتمان تقریب مذاهب اسلامی که در مجله‌الآزهر مورد توجه واقع شد، سیره نبوی است. سیره نبوی به‌عنوان نقطه تلاقی همه مذاهب اسلامی به شکل الگویی قابل‌باور در مجلات الأزهر و زمینه‌ای برای شکل‌دهی و تقویت دارالتقریب بود. برگزاری کنفرانسهایی با عنوان سیره نبوی در دوره‌های متفاوت در دارالتقریب و الأزهر نشان دهنده این امر است که سیره نبوی تنها نقطه مشترک سیاسی در بین مذاهب اسلامی است. در چنین مواردی شیوخ الأزهر خطبه و سخنرانیهایی در ستایش رسول اکرم (ص) و اغلب با توجه به مشکلات اجتماعی مسلمانان و ارجاع‌دهی به سنت نبوی جهت حل معضلات ایراد می‌کردند که در مجله بازتاب می‌یافت. (المراغی، ۱۳۵۶ق، صص الف-د)، از این رو توجه به دوران مدنی زندگانی پیامبر اسلام در این مجلات افزایش یافت و احتمالاً آن را شیوه‌ای برای ارائه الگویی سیاسی برای اداره کشورها می‌دانستند (وجدی، ذکری الهجرة النبویة، ۱۳۵۴ق، صص ۱۰). پس از قرآن، سیره و سنت نبوی نمونه و الگویی کامل جهت پیروی مسلمانان دانسته شد (تسخیری، ۱۳۹۱ش، صص ۳۰). توجه به سیره نبوی در مجله‌الآزهر در قالب مفهوم اُسوه به‌کار رفت. اسوه در حقیقت واژه‌ای قرآنی بود که در دو مورد برای ابراهیم و پیامبر اسلام کاربرد یافته است (احزاب، آیه ۲۱؛ ممتحنه، ۴) این واژه در فرهنگ اسلامی یکی از دلالت‌های عصمت پیامبر و شکل‌گیری سنت نبوی به شکل امروزی آن است. الگوی روایت سیره نبوی در نوشته‌ها و مقالات مجله‌الآزهر به گونه‌ای بازتاب چند نیاز عمومی و گسترده مسلمانان





است. اول نیاز به الگویی الهی و خالی از خطا که در حقیقت با فرضیه مدینه فاضله (به عنوان دال مرکزی هویت بخشی مجله) پیوند عمیقی داشت. این موضوع به دو صورت عمده در مقالات و به‌طور کلی در مجله بازتاب داده شد. یکی در انتقال مفاهیم شاعرانه در نعت رسول که در قالب اشعار ارائه گردید (السید، ۱۳۷۵ق، صص ۹۱-۹۲). دوم اشاره به کمکهای غیبی و نیروهای الهی در بازتولید تاریخ زندگانی نبی اکرم (الساکت، ۱۳۷۵ق، ص ۱۱).

دومین نیاز مهم مسلمانان ایجاد پشتوانه فرابشری و الهی برای علوم انسانی نوظهور در عالم اسلام بود. این موضوع بیشتر خود را در ترکیب مفاهیم فلسفی و دینی بروز داد. تلاش عمده بر این قرار داشت که از زندگانی و سیره پیامبر تحلیلی عقلانی و علمی به‌معنای امروزی عرضه گردد. بر این مبنا اصول فلسفی دنیای غرب، با مبانی اسلام تطبیق داده شد و سعی گردید بر ماهیت دینی آن صحنه گذاشته شود. مهم‌ترین اصولی که در چنین مقالاتی بدان تأکید می‌شد عبارت بود از: ذم تقلید کورکورانه از گذشتگان، رویکرد نقدگرایانه به عقاید و توجه به اصول علمی و عقلی در اعتقادات (وجدی، مولد محمد خاتم المرسلین، ۱۳۵۶ق، صص ۱۴۶-۱۴۷) این امر در علوم تجربی تأثیرات بارزی داشت چنان‌که تلفیق مفاهیم پزشکی و سنت نبوی در قالب طب سنتی که پیشینه جالب توجهی در دنیای اسلام داشت، به شکل مقالاتی ارائه گردید (محفوظ، ۱۳۷۵ق، صص ۷۷۶-۷۷۷). در این باب بسط و گسترش علوم اسلامی و پاسخ‌دهی به شبهات علمی و فقهی در باب اشکالات احکام در تعارض با علوم جدید بود. این مسئله ظاهراً بیشتر به تاریخ پزشکی پیوند می‌خورد. چنان‌که برای حل تعارضات دستور خوردن گوشت خوک و مسائل مرتبط با پزشکی نوین مقالاتی نگاشته شد (همان، ص ۷۷۷).

شکل دیگر استفاده مجله از مفهوم سنت در ترویج برخی از کلیدواژه‌های اخلاقی در قالب سرنبسته

«السنه» و «من ذخائرالسنه» بود (یاسین، ۱۳۶۹ق، صص ۱۸-۲۳). اولین مفهوم به‌کار برده شده در این سرنبست، اخلاص است (الجزیری، ۱۳۵۶ق، صص ۱۲۱-۱۲۵). سپس مفاهیم متعددی همچون هجرت و جهاد با کاربست ترویج اخلاق اسلامی بر پایه سنت نبوی ارائه گردید (یاسین، ۱۳۶۹ق، ص ۲۱). ترویج مفاهیم اخلاق در شکل‌دهی به آرمان‌شهر اسلامی بسیار مهم و حیاتی تلقی شد و مقالات چندی را به خود اختصاص داد، چنانچه مفهوم هجرت به مثابه بنیان شکل‌گیری آرمان‌شهر اسلامی دانسته شد (شلتوت، ۱۳۸۰ق، صص ۵-۷).

۳. عقل

با وجود اینکه در دنیای تسنن توجه کمتری به مباحث عقلی نشان داده می‌شد؛ اما عواملی منجر به توجه مجله الأزهر به عقل به‌عنوان یکی از منابع تبیین هویت گفتمان تقریب مذاهب اسلامی گردید. پیشینه تاریخی الأزهر در جایگاه یک حوزه شیعی احتمالاً می‌توانست، علایق فلسفی و عرفانی را برتابد. چنان‌که در دوره فاطمی فلسفه و نجوم از دروس الأزهر محسوب می‌شد (داج، ۱۳۶۷ش، صص ۱۹ و ۳۸). با این همه زمینه فقهی الأزهر را نباید فراموش نمود. همچنین ارتباطات مصریان در عصر نوین به‌عنوان یکی از پیشگامان ارتباط با اروپا از یک سو از عوامل بسیار عمده و کلیدی در علاقه الأزهر به علوم عقلی محسوب می‌شد و از سوی دیگر سیدجمال‌الدین اسدآبادی نیز در ترویج فلسفه اروپایی در الأزهر سهیم بود. هرچند الأزهر آن را با دید انتقادی می‌نگریست لیکن به‌همین دلیل، توسط اساتید سنتی‌تر الأزهر طرد شد (همان، ص ۱۲۳). شاگرد او محمد عبده در ترویج آرای عقلی و متجددانه در الأزهر نقش بارزی ایفا نمود. وی پنج برنامه عمده را ارائه کرد که نشان دهنده روح عقلی و عمل‌گرای وی بود. وی برنامه ثابت درسی تنظیم نمود که جایگزین کلاسهای پراکنده گردید. او

برگزاری آزمونهای سالانه را ضروری دانست. همچنین جایگزینی آثار برجسته علمی برای تدریس، اصلاح برنامه آموزشی و ایجاد کتابخانه مرکزی از برنامه‌های وی محسوب می‌شد (همان، صص ۱۳۵-۱۳۶).

تفکرات عقل‌گرایانه بعدها در دارالتقرب و در مجله الأزهَر به شکل محسوسی قابل رؤیت بود. این نوع از تفکرات بیشتر در دو ساختار کلی و در ارتباط با فلسفه و کلام اسلامی بازخوانی شد. اول در قالب فلسفه مضاف و علوم گوناگون و دوم در شکل تاریخ فلسفه و کلام اسلامی و فلسفه غربی.

در بخش اول تلاش بر این بود تا با کمک فلسفه اسلامی گونه‌ای از پشتوانه فکری، فلسفی برای علوم مانند اخلاق و فقه پی‌ریزی شود. از این رو فلسفه اخلاق و فلسفه فقه مورد توجه قرار گرفت (غلاب، الاخلاق الفلسفیه، ۱۳۵۶ق، صص ۲۸۲-۲۸۵؛ طه، فی فلسفه الاخلاق، ۱۳۵۴ق، صص ۲۵۴-۲۵۸). در همین زمینه به فلسفه اسرار تشریح احکام نیز پرداخته شد؛ که به مثابه پایه فلسفی مقابله با شبهات عمل می‌نمود (طه، أسرار التشريع الاسلامی و فلسفته، ۱۳۵۴ق، صص ۲۶۳؛ شلتوت، ۱۳۶۹ق، صص ۱۳-۱۷). در بخش دوم با معرفی فیلسوفان مسلمان و آراء و نظریات آنها سعی شد جایگزینی برای فلسفه غربی، جست‌وجو شود. بر این اساس سرنبشته «مفردات فلسفیه» به منظور ایجاد ذهنیت فلسفی و پیوند آن با مفاهیم دینی نوشته شد (موسی، ۱۳۶۹ق، صص ۳۳-۳۶). دومین کاربست این ساختار نشان دادن تشابه ماهیت اسلام و فلسفه بود (غلاب، الاسلام و الفلسفه، ۱۳۵۶ق، صص ۱۱۷-۱۲۰). این کاربست در حقیقت حکم ردیه‌ای بر فلاسفه مادی داشت که در روزگار تقرب، اسلام را به چالش کشانده بودند.

۴. تاریخ

منبع دیگر که مجله الأزهَر در تبیین هویت گفتمان تقرب مذاهب اسلامی از آن بهره برد شامل تاریخ

اسلام و تا حدودی تاریخ جهان بود. استفاده از تاریخ در حقیقت نه تنها شاکله اصلی عقاید اسلامی، تفسیر قرآن و کلام اسلامی را در بر می‌گرفت بلکه سازمان دهنده گونه‌ای هویت تاریخی بود. در حقیقت سیره نبوی خود بیان‌کننده بخشی از تاریخ اسلام و تا حدودی هسته مرکزی هویت تاریخی گفتمان تقرب محسوب شد. در مرحله بعد سیره صحابه اهمیت داشت و مورد توجه قرار گرفت. چنان‌که مقالاتی درباره صحابه همچون عمر بن خطاب و زبیر بن عوام با عنوان «حیاه رجالات اسلام» چاپ و منتشر می‌شد. رویکرد بسیار بارز و جالب توجه در بیان تاریخ صحابه، بیان فضائل آنان بود؛ به گونه‌ای که با روایات تاریخی ناسازگار نباشد. در حقیقت چشم‌انداز تقرب مذاهب اسلامی در بیان تاریخ و تعلیل حوادث تاثیرگذار بود. برای نمونه در بیان سیره زبیر بن عوام، نقل تاریخی مبنی بر ظالم بودن زبیر در جریان جمل، چاپ گردید (متولی، ۱۳۵۶ق، صص ۶۳۴).

دومین نکته‌ای که در شیوه‌های رایج در بیان تاریخ مشاهده می‌شود، شیوه استنباط و تحلیل تاریخی به روش عقلانی و علمی است. ظاهراً دیدگاه‌های تمدنی مدیران مجله الأزهَر در چگونگی استنباط تاریخی بی‌تأثیر نبوده است. چنان‌که در مقاله‌ای با عنوان «الناحية الفلسفية في حياة عمر بن الخطاب» تلاش شد تا خلیفه دوم به‌عنوان یک نابغه (به معنای فلسفی آن) معرفی شود. بنابراین تعریف نبوغ موهبتی الهی بود که نه با تجربه و علم بلکه به سبب گونه‌ای نگاه الوهی حاصل می‌شد (وجدی، الناحية الفلسفية في حياة عمر بن الخطاب، ۱۳۵۶ق، صص ۵۲۹). به نظر می‌رسد تحلیل تاریخ به روش عقلانی و علمی در خدمت نگاه تمدنی روی داد. در این نگاه شیوه قهرمان‌پروری و توجه به مفهوم اسوه به‌منظور تبیین هویت تاریخی مسلمانان اهمیت وافر داشت. ارزش این موضوع هنگامی کاملاً درک خواهد شد که بدانیم سومین شیوه کارکردی مجله تمرکز بر مفهوم فتوح اسلامی بوده است. در حقیقت





تاریخ فتوحات اسلامی یادآور مجد و عظمت تمدن اسلامی و راهبردی از سوی پیامبر اسلام تلقی شد (زیاده، ۱۳۷۵ق، ص ۶۷۱) چنان‌که خلیفه دوم به‌عنوان قهرمان و بازیگر اصلی فتوحات ظاهر شد.

روند تبیین هویت گفتمان تقریب مذاهب اسلامی در مجله‌ی الأزهر تنها به تاریخ سیاسی و نظامی ختم نشد و به تاریخ علم نیز توجه گردید. این موضوع محتملاً جوابیه‌ی الأزهر در حملات برخی از مستشرقان به جهان اسلام بوده است. از این‌رو مجله‌ی الأزهر رسالت خویش را در ترویج پاسداشت دانشمندان مسلمان قرار داد. یکی از علوم بسیار مهمی که تحت عنوان عمران بدان اشاره شده است، جامعه‌شناسی بود. در کنار این علم به علوم فلسفه، منطق و ریاضیات نیز توجه می‌شد (بروکلمان، ۱۳۵۴ق، ص ۱۲۹).

همچنین بیاناتی در باب فنون به‌کار رفته در شهرهای اسلامی و خدمات و عمران ایجاد شده توسط مسلمانان در قیاس با دوران ماقبل خویش انجام گرفت. توجه به تاریخ علم پشتوانه بسیار مناسبی برای تقریب مذاهب به‌شمار می‌آمد. چنان‌که شاکله اصلی دارالتقریب را افرادی با سبقه علمی تشکیل می‌داد. از این‌رو ایجاد هویت و میراث مشترک علمی در دنیای اسلام ضروری به‌نظر می‌رسید. چنان‌که به عالمان شیعه مانند ابن سینا و ملاصدرا از منظر فلسفی توجه نشان داده و آن را به‌سان یک حلقه مشترک علمی و فرهنگی به‌کار می‌بستند.

مجله‌ی الأزهر و مفصل‌بندی هویت گفتمان تقریب اسلامی

بر اساس آنچه گفته شد، مجله‌ی الأزهر به‌منظور ارائه هویتی نوین از اسلام و مسلمان بودن به‌وسیله منابع و ابزارهایی که در اختیار داشت، اهتمام ویژه‌ای به مفاهیم تقریبی و بین‌ادیانی نشان داد. چنان‌که استفاده از علوم شناختی نظیر فلسفه جهت پویا کردن جریان تقریب در دستور کار الأزهر قرار داشت. از این‌رو

ضروری است مفاهیم اصلی و دالهای ترویج شده در مجله‌ی الأزهر به‌عنوان هسته مرکزی هویت گفتمان تقریب‌شناسایی و بازتعریف گردد.

۱. مدینه فاضله

توجه به مفهوم مدینه فاضله در مجله‌ی الأزهر قابل توجه و بررسی است. باید دانست که مدینه فاضله هرچند یک مفهوم یونانی بود؛ اما در مجله‌ی الأزهر رنگ و بوی اسلامی پیدا نمود. ظاهراً مدینه فاضله و آنچه از عناصر فردی و اجتماعی در آن روی می‌داد؛ در ذیل سیره نبوی و اخلاق اسلامی قابل بررسی است. امتداد اخلاق اسلامی و سیره نبوی در مفهوم مدینه فاضله بیشتر نوعی تسری اخلاق فردی به نظم اجتماعی تعبیر گردید. چنان‌که در مجله‌ی الأزهر در ذیل مفهوم مدینه فاضله به مسائل جزئی اخلاقی مانند مصافحه و سلام اهمیت بسیار داده می‌شد (وجدی، المدینة الفاضلة فی الاسلام، ۱۳۵۴ق، ص ۶۰) ریشه نظریه مدینه فاضله در میان متفکران جدید اسلامی به سیدجمال‌الدین اسدآبادی می‌رسد. شاگرد وی محمد عبده معتقد بود، اسلام توانایی اداره جامعه را دارد. وی مخالف جدایی دین از سیاست بود و بر لزوم بهره‌گیری از دانش بشری و حفظ هویت اسلامی و عدم افراط و تفریط در این زمینه تأکید داشت (وحیدی، ۱۳۸۲ش، ص ۸۹).

مدینه فاضله و شکل‌گیری آن دارای ریشه‌های نظری و ابعادی است که خود را به شکل تبیین اجتماعی نشان داد. در این نوع از تبیین، اجتماع همچون ساختمانی تصویر می‌شد که پیوندهای اجتماعی و اخلاقی (شامل اهداف اجتماعی) آن را شکل می‌داد. مدیران مجله‌ی الأزهر با نگاهی الهیاتی اعتقاد داشتند امت اسلام تنها جامعه‌ای بوده است که بر اساس پیوندهای اجتماعی عمیق شکل گرفته است. در این دیدگاه نظر بر این بود که بقیه اجتماعات در طول تاریخ بشر، برای دفع ضرر احتمالی یا کسب سود مادی با یکدیگر همکاری نموده‌اند و اوج آن را در تمدن روم باستان می‌دانستند

(وجدی، مهمة الدين الاسلامی فی العالم، ۱۳۵۴ق، ص ۱۳). از منظر نویسندگان مجله الأزهر مدینه فاضله اسلام، دارای پنج رکن اساسی بود که روابط اجتماعی مسلمانان را در دوران اولیه از دیگر امم جدا نمود و آن را در زمره امت وسط قرار داد: اول تساوی میان انسانها از بعد قومیتی (همه انسانها از آدم خلق شده و او از خاک بود)؛ دوم برتری افراد بر اساس رنگ و نژاد و زبان نبود؛ بلکه بر اساس ملکات نفسانی هر فرد رخ می‌داد که در جمله زیبای قرآن (إن اکرمکم عندالله اتقیکم) نمود یافته است. سوم قبائل و ملتها تنها برای شناخت و ایجاد روابط اجتماعی فعال به وجود آمده و مورد تأیید قرار گرفته‌اند. چهارم اجرای بدون اغماض حق و پنجم اعتلای کلمه الله در زمین (همان، ص ۱۶). ظاهراً مدینه فاضله جدا از مبحث فلسفی آن در نزد بزرگان الأزهر، بیشتر بیان‌کننده کیفیت روابط اجتماعی بود. چنان‌که وجدی در نگاهش به مدینه فاضله، اسلام را مقوم این مفهوم و تثبیت‌کننده روابط اجتماعی دانسته است (وجدی، المدینة الفاضلة فی الاسلام، ۱۳۵۴ق، ص ۶۰)؛ همچنین این نکته در تعریف تمدن نیز ظهور و بروز یافته است. وی تمدن را به معنای نظم‌دهی به امور زندگی و گرایش به اخلاق شهری تفسیر نموده است. در مدینه فاضله و تمدن برخاسته از آن، تناقضی در امور دنیوی و اخروی وجود نداشت. بر این اساس امور دینی، مخصوص ارتباط با خداوند و امور دنیوی، مخصوص ارتباط با دیگر انسانها شناخته شد. البته هر دو این امور از ناحیه واحد و از طرف خداوند ابلاغ می‌شد. امور دنیوی دارای سه بخش تشریحی، قضایی و تنفیذی بود که مبادی اولیه تشکیل حکومت را در بر می‌گرفت (طه، ۱۳۵۶ق، صص ۶۵۷-۶۵۸). از این رو در کنار مدینه فاضله مبحث اخلاق اسلامی مورد توجه قرار داشت. در حقیقت مفهوم مدینه فاضله ارتباط معناداری با اخلاق اسلامی و چگونگی روابط انسانی در درون شهر داشت.

۲. اخلاق

اخلاق اسلامی یکی از شاخصه‌های مهم مدینه فاضله در تبیین هویت گفتمان تقریب مذاهب اسلامی است. نکته مهم در باب اخلاق و مفاهیم مرتبط با آن، چالش فلسفه اخلاق و نوع حکمرانی بود. ظاهراً مجله الأزهر برای ایجاد پشتوانه‌های سریان اخلاق به دایره سیاست، مجبور به استفاده از صورت فلسفی از اخلاق گردید تا هم منابع عقلی و هم منابع روایی هویت‌بخشی را پوشش دهد. از این رو اخلاق از منظر مجله الأزهر ارتباطی بین انسان و وجود اصیل او تعریف شد (طه، فی فلسفة الاخلاق، ۱۳۵۴ق، ص ۲۵۵). در این تعریف، نشانه‌ای از وحدت وجود که احتمالاً متأثر از مرام صوفیانه طریق موجود در الأزهر است؛ مشاهده می‌شود. گونه‌ای از فرضیه اخلاقی که با ادغام مفاهیم فلسفه وجود در تلاش بود صورت نوینی از الگوی اخلاقی را با توجه به فلسفه (عمدتاً وحدت وجودی و تا حدودی نوافلاطونی) ارائه دهد. از منظر این دیدگاه انسان به واسطه قوای درونی خویش از حرکت به سوی تعالی باز می‌ماند. قوه شهوت، غضب و وهم، سه قوه اصلی بدن هستند که وظیفه اصلی ایشان کمک به قوه عقل است. در صورتی که هر کدام از این قوا از فرمان عقل سرپیچی نمایند، روح انسان توانایی خود برای تعالی اخلاقی را از دست خواهد داد. در این وضعیت، قوای اصلی انسان مأمّن‌گاه مناسبی برای افعال پلید خواهد شد. قوه شهوت، خود را در گناهان جنسی و شکمی خواهد انداخت و قوه غضب به گونه ترس و تهور جلوه‌گر خواهد شد. در صورت تبعیت قوا از عقل بلکه عفت در قوه شهوت و ملکه شجاعت در قوه غضب و سرانجام صفت حکمت در عقل شکل خواهد گرفت (همان).

در اینکه تأثیر و نفوذ دیدگاه و الگوی فلسفه صدرایی در الأزهر تا چه میزان بوده است، نمی‌توان دقیقاً نظر داد؛ اما این الگوی اخلاقی در کتب مشهوری مانند جامع السعادات مولی محمد مهدی نراقی و معراج





السعادة مولی احمد نراقی از کتب اخلاقی فلسفی شیعی در دوره قاجار نیز قابل مشاهده و بررسی است. برای همین سیر نفوذ و گسترش فلسفه اخلاق صوفیانه و فلسفه وجودی شرق دنیای اسلام در الأزهر نمایانگر آن است که الأزهر عمیقاً تحت تأثیر مفاهیم برآمده از اسلام شیعی قرار داشت و همین نزدیکی باعث شد زمینه‌های مناسبی برای شکل‌گیری و تداوم تقریب مذاهب اسلامی وجود داشته باشد (همان).

جنبه‌های وحیانی و روایی مرتبط با اخلاق نیز با اصول فلسفی اخلاق مدنظر الأزهر مورد سنجش و استفاده قرار گرفت. بدین لحاظ اخلاق روایی در مقالاتی مورد توجه قرار گرفت. این روند عموماً به منظور تقویت مفصل‌بندی اخلاق فلسفی و در خدمت اصول مدینه فاضله بوده است. مفاهیمی مانند اخلاص، عفت، شجاعت در سلسله مقالاتی با رویکرد حدیثی تبیین شد (الجزیری، ۱۳۵۶ق، صص ۱۲۵-۱۲۱؛ عبدالنواب، ۱۳۶۹ق، صص ۸۰-۷۸). این رویکرد در حقیقت علاوه بر بیان یکی از کارکردهای اخلاق اسلامی در جامعه معاصر بود و می‌توانست بازگو کننده هویت تاریخی مسلمانان در قالب اتصال به دوران گذشته باشد. چنان‌که برای بیان هر کدام از ملکات اخلاقی از شیوه روایت تاریخی و قصص قرآنی و حدیثی بهره برده شد (الدجوی، ۱۳۵۴ق، ص ۲۳۹)؛ بنابراین اخلاق اسلامی در شکل فلسفی آن برای طرح مفهوم مدینه فاضله جنبه حیاتی داشت.

۳. فقه مقارن

سومین مفهوم مهم و بارز در تفکر تقریب مذاهب که برجستگی خاصی داشت، مفهوم فقه مقارن و نزدیکی ساختارهای فقهی شیعه و اهل سنت به یکدیگر بود. در مجله الأزهر توجه به فقه جایگاه والایی داشت؛ اما قبل از آن نقش هیئت کبار علما در ترویج این تفکر را نباید نادیده گرفت. سبقه پژوهشی برخی از چهره‌های الأزهر مانند محمود شلتوت در این امر بسیار تاثیرگذار

بود چنان‌که وی علت فتوای تاریخی خود مبنی بر صدور اجازه بر پیروی از فقه جعفری را اتقان علمی آن دانست (احمدی، ۱۳۹۱ش، ص ۷۹). مرجع اعلائی عالم تسنن، رئیس اکثریت مسلمانان، محمود شلتوت کسی که به حکم مرکزیت و ریاستی که در الأزهر دارد، باید تنها حامی و مدافع مذهب خود باشد؛ اما او مذهب شیعه را نیز مانند مذهب خود قابل پیروی اعلام می‌دارد و فتوایی تاریخی (در مورد جواز پیروی از مذهب شیعه امامیه) صادر می‌کند که در طول تاریخ چهارده قرن اسلام بی‌سابقه است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷ش، ص ۲۹). وی سپس به منظور ترویج فقه مقارن، کرسی درسی را بدین منظور در دانشگاه الأزهر تأسیس نمود. این موضوع موجب شد که دانشجویان علاوه بر آشنایی با نظرات و موضوعات مختلف مطرح شده در فقه مذاهب اسلامی و احترام به نظرات متعدد، از جهت فکری برای ارتباط با فرق مختلف آماده شوند (احمدی، ۱۳۹۱ش، ص ۸۴). فقه مقارن در این رویکرد به معنای لغوی یا ادغام مذاهب نبود بلکه بیشتر بر برجسته‌سازی تشابهات تأکید داشت و بر الگویی از نظام‌سازی فقهی بر پایه هویت مشترک مذهبی توجه نشان داد (شقاقتی، ۱۳۹۱ش، ص ۵۰).

بر این اساس الگوی رایج در مجله الأزهر شامل چند گزاره کلی از جمله فلسفه احکام، احکام و فتوای روز فقهی، توجه به نظام حقوقی و قضایی اسلام و فقه حکومتی و اجتماعی در آن، تاریخ فقه و نظام حقوقی در اسلام و دیگر تمدنها بود.

توجه به فلسفه احکام، به دنبال ترویج افکار و اندیشه‌های غربی و روشنفکرانه به دنیای اسلام بوده است. هرچند این موضوع در احادیث متعدد و در قرآن سابقه داشت؛ اما زاویه دید دنیای جدید را باید بسیار مؤثر بر روند تشکیل علم فلسفه احکام دانست. این موضوع از آنجایی آشکار است که در بیان فلسفه احکام به شبهات شرعی پیرامون احکام فقهی نظیر نماز و روزه اشاره می‌شد (وجدی، حکمة الصیام فی الاسلام،

۱۳۵۶ق، صص ۵۶۱-۵۶۳). همچنین بیان فلسفه احکام در حقیقت یاری‌دهنده به تثبیت فکری جوانان و روشنفکرانی بود که به‌نظر می‌رسید از الزامات فقهی فاصله گرفته‌اند (شلتوت، ۱۳۶۹ق، صص ۱۳-۱۷). از این منظر در بیان فلسفه احکام روشهای متعددی به‌کار گرفته شد. از جمله اینکه به فایده و ضرر حکم مربوطه اشاره می‌شد که بیشتر در حوزه طبی و پزشکی نمایان بود. سپس به احکام فقهی، صورت‌بندی اجتماعی و ما به ازای تاریخی و جامعه‌شناسی توجه شد که بیشتر در مسائلی مانند طلاق و احکامی که ابعاد اجتماعی داشتند، به‌کار می‌رفت (الذجوی، ۱۳۵۶ق، صص ۵۷۰-۵۷۱). تاریخ فقه اسلامی از دیگر مسائلی بود که مجله الأزهر سرنبسته‌ای را بدان اختصاص داد. احتمالاً دلیل اصلی چنین علاقه‌ای را باید در همان هویت تاریخی جست که مجله الأزهر خود را ملزم به آن نمود. لیکن باید توجه داشت که کاربست تاریخ فقه اسلامی برای مدیران مجله، در گونه‌ای مشابه‌سازی آثار مستشرقانه و پیشی گرفتن بر رویکرد انتقادی آنان بود. از جمله کاربست مهم در بازگویی تاریخ فقه اسلامی، نشان دادن سیر تطور احکام اسلامی و انعطاف‌پذیری آن و همچنین پدیداری پایه‌های مشترک مذاهب فقهی گوناگون در دنیای معاصر بود.

اما مهم‌ترین بخش در فقه مقارن و توجه به مسائل فقهی، در صورت‌بندی نظامات قضایی نوین نشان داده شد. این مطلب در رویکرد علمی شلتوت در اخذ احکام فقهی از شیعه نمود یافت (احمدی، ۱۳۹۱ش، صص ۷۹). همچنین در مقالاتی صورت‌بندی نظام فقهی در قالب قوانین مدنی نشان داده شد (بکیر، ۱۳۶۵ق، صص ۴۰۴-۴۰۶). در این مقالات سعی گردید اینگونه القا شود که نظام قضایی در اسلام توانایی تبدیل و انعطاف خود را از دست نخواهد داد و بر اساس نیاز اجتماعی بشر، خود را در قالب صورت‌بندی نوین عرضه خواهد نمود (عبدالباسط، ۱۳۸۴ق، صص ۱۰۲۲-۱۰۲۴).

۴. آزادی عقیده

مفهوم کلیدی دیگر که در هویت تقریب مذاهب اسلامی مهم تلقی شد، اصل آزادی عقیده است. مفهوم آزادی عقیده مکمل فرضیه مدینه فاضله و یکی از اجزای مهم آن است؛ زیرا نه تنها به مباحث دینی و رشد عقلی پیوند داشت بلکه در سیاست و نوع الگوی حاکمیت نیز تأثیرگذار بود. از این رو سلسله مقالاتی با عنوان «حریه الرأی» در مجله الأزهر چاپ و منتشر شد که بیانگر اصل و حقیقت این مفهوم از منظر اسلامی است. در این دسته مقالات تلاش بر این بود تا بر پایه تعلیل تاریخی از دوران پیامبر و خلفای راشدین، به مطلب فوق (حریه الرأی) جنبه‌های سیاست‌ورزانه داده شود. گفته ابوبکر در خطبه اولیه خلافتش مبنی بر اینکه من از شما بهتر نیستم و لازم است که من را راهنمایی نمائید شاهی بر آزادی رأی و عقیده تلقی شد (عرجون، ۱۳۵۴ق، صص ۴۱۵). در حقیقت مجله الأزهر در تلاش بود با ارائه الگویی از دوران صدر اسلام، ساختار مدینه فاضله را بازتعریف نماید. از این رو التجا به خلفای راشدین در اثبات آزادی رأی، نشان‌دهنده نوع نگاه مجله الأزهر به حاکمیت نمونه و اسوه اسلامی است. در چنین حاکمیتی، سیاست بر پایه اخلاق فردی شکل می‌گرفت و عدالت فردی حکام منشأ تغییرات اساسی بود. در مقاله «حریه الرأی فی الاسلام» بیان می‌کند که عمر بن خطاب قائل به تأثیرگذاری مردم به وسیله اعمال قدرت بر حاکم بوده است. چنانچه شخصی عمر را به راست کردن با شمشیر تهدید نمود (همان، صص ۴۱۵-۴۱۶) قابل تأمل است که مفهوم آزادی رأی در مقالات الأزهر به مفهوم دموکراسی تطبیق داده می‌شد و اصل و منشأ آن را در اسلام می‌جست (همان، صص ۴۱۵).

کاربست دیگر آزادی عقیده، در رشد عقلی و جمعی جامعه قرار داشت. علی‌رغم آن‌که در مدینه فاضله هدفهای متعالی و غیرمادی مانند رشد عقلی برای تشکیل اجتماع مطرح بود، اما انتخاب دین نیز ماهیتی





آزادمنشانه و جنبه‌های تربیتی داشت. تعلیل اصلی در این موضوع ارجاع به آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره، ۲۵۶) است (المسیری، ۱۳۷۵ق، ص ۱۶۴). البته نباید فراموش نمود که رویکرد مجله الأزهر در اعتبار دادن به مباحث عقلی و فلسفی و تلاش برای فهم تطورات تاریخی نیز تا حدودی نیازمند پذیرش آزادی عقیده بود.

مجله الأزهر و شیوه‌های تبیین هویت گفتمان تقریب مذاهب اسلامی

۱. غیریت‌سازی

یکی از اولین روش‌های هویت‌سازی در مجله الأزهر بر اساس ایجاد مرزبندی هویتی و غیریت‌سازی روی داده است. این روش در مجله الأزهر بیشتر بر اساس دیدگاهی تاریخی صورت‌بندی گردید که در آن سه نکته توجه به فتوح مسلمانان در اروپا، توجه به عقاید فلسفی و ادبی مسلمانان در اندلس و سپس نقد و بررسی افکار فلاسفه اروپایی بسیار حائز اهمیت بود. به نظر می‌رسد رویکرد غیریت‌سازی پس از تثبیت مفاهیم اساسی و برجسته‌سازی الگوی مجله الأزهر شکل آشکاری به خود گرفت. از این رو نقش گروه‌های سیاسی مانند اخوان المسلمین در مرزبندی سیاسی را نباید نادیده انگاشت.

در روش غیریت‌سازی تلاش بر این بود که بر اساس مفاهیمی مانند هجرت و جاهلیت که در برجسته‌سازی جای می‌گرفت، به تبیین مرزهای اسلام و دنیای خارج پرداخته شود. ظاهراً هر آنچه از مفاهیم قرآنی، تاریخی، سنت حدیثی استخراج می‌شد به منظور سامان یافتن این هدف بود. از این رو مبحث فتوحات در اروپا بسیار حایز اهمیت بود؛ زیرا هم نشان دهنده مجد و عظمت اسلام بود و هم می‌توانست بیانگر حدود و ثغور اسلامی در دنیای معاصر باشد. در این مرحله سلسله مقالاتی در فتوح اسلامی در اندلس و شرق آفریقا نگاشته شد. توجه به اندلس به‌عنوان یک حوزه

اسلامی آن‌چنان برجسته شد که سلسله مقالاتی در تمدن و فرهنگ و شعر در آن به چاپ رسید (الأغانی، ۱۳۶۵ق، صص ۴۴۷-۴۵۱)؛ همچنین به فتوحات دریایی مسلمانان در مدیترانه مقالاتی اختصاص یافت تا نشان‌دهنده حوزه تحت نفوذ تمدن اسلامی باشد (وجدی، أساطیل المسلمین و حروبهم البحریه، ۱۳۵۴ق، صص ۱۹۸-۲۰۲). توجه به ابن رشد و ابن حزم به‌عنوان آخرین فیلسوفان غرب دنیای اسلام که تأثیر بی‌شائبه‌ای در تشکیل تفکر فلسفی اروپا داشتند دارای اهمیت است (غلاب، ۱۳۶۷ق، صص ۵۰۱-۵۰۲)؛ المراغی، ۱۳۶۷ق، صص ۴۳۴-۴۳۶)؛ اما آخرین شیوه غیریت‌سازی در حوزه نقد و تحلیل فلاسفه اروپایی دنبال شد. در این بخش تلاش شد تا افکار اساسی اروپای دوران رنسانس و قرون جدید و معاصر مانند کانت، هگل و مارکس به چالش کشیده شود (وجدی، ۱۳۶۷ق، صص ۵۸۰-۵۸۴).

۲. برجسته‌سازی مفاهیم

بر اساس شیوه‌های ناظر بر هویت‌سازی در گفتمانها، ایجاد مرزبندی فرهنگی و شناسایی رقیب از اولین چالش‌های مجله الأزهر بود. بنابراین مدیران مجله الأزهر در تبیین هویت گفتمان تقریب مذاهب اسلامی، به مفاهیمی نیاز داشتند تا بیان‌کننده نوعی دگرگیزی باشد. یکی از اولین مفاهیمی که از قرآن وام گرفته شد مفهوم جاهلیت است. ظاهراً برای اولین بار مودودی از تجدد با عنوان جاهلیت جدید تعبیر نمود. جاهلیت جدید در حقیقت مفهومی بود که همه ساختارهای سیاسی و اجتماعی ناسازگار با فرهنگ اسلامی را شامل می‌شد. ابوالحسن علی حسنی ندوی شاگردش در کتابی با عنوان *ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمین*، فرضیه «جاهلیت جدید» مودودی را تشریح کرد (ندوی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، صص ۳-۴).

در مصر سیدقطب، مفهوم جاهلیت جدید را بیش از پیش گسترش داد. وی تحت تأثیر آرای مودودی

و ندوی بود (قطب، سید، ۱۳۸۴ق، ج ۱، ص ۶۳) او نظراتش را به تفضیل در کتابی با عنوان *معالم فی الطریق* منتشر کرد. از دیدگاه وی همه تصورات، عقاید، فرهنگها و قوانین بشر امروز جاهلی است (همان، ج ۱، ص ۲۱) در نگاه وی جاهلیت، بندگی انسان در برابر انسان است و اسلام، بندگی انسان در برابر خداست (همان، ج ۱، صص ۲۰۰-۲۰۱). محمد قطب برادر سیدقطب کتابی تحت عنوان *جاهلیة القرن العشرين* را تحریر نمود. وی جاهلیت را دارای ابعاد روانی و عملی می‌داند که بر اساس آن فرد از هر نوع هدایت و عملکرد بر اساس دآوری احکام الهی سربرمی‌تابد (قطب، محمد، ۱۳۸۴ق، ج ۱، ص ۱۱). بر این اساس جاهلیت مفهومی فراتاریخی و فرامکانی تلقی می‌شود (همان، ج ۱، صص ۱۲-۱۳). این دیدگاه در مجله *الأزهر* به خوبی به کار گرفته شد و توانست منشأ یکی از روشهای هویت‌سازی دارالتقریب باشد. مجله *الأزهر* ظاهراً برای بیان مباحث غیریت‌سازی از هویت تاریخی اسلام و تمدن اسلامی بهره بیشتری برد. استفاده از مفاهیمی مانند شرک، کفر و نیز استفاده از کاربستهای اخلاقی و تاریخی آنان گونه‌ای از ثنویت را تبلیغ می‌نمود که نشانگر هویت اسلامی *الأزهر* بود. دومین مفهوم کلیدی که بیانگر دوگانه نگری در هویت انسانی *الأزهر* بود، هجرت است. هجرت بیانگر مقدمه تشکیل مدینه فاضله مسلمانان بود که در آغاز با امری ظاهری پیوند داشت و سپس به هجرت به سوی خدا اطلاق می‌شد. در مجله *الأزهر* تأکید زیادی بر هجرت پیامبر به مدینه صورت گرفت و اخلاق فلسفی *الأزهر* نیز بیشتر بر جنبه‌های معنوی هجرت دلالت داشت (طه، فی فلسفة الاخلاق، ۱۳۵۴ق، ص ۲۵۵).

۳. حاشیه رانی

سومین روش هویت‌سازی مجله *الأزهر* بر اساس حاشیه‌رانی افکار و تحلیل سنتهای اجتماعی مصر در درون بافت اندیشه‌ای خود رخ داد. این شیوه در

دو جهت کلی انجام شد. ابتدا به منظور حاشیه‌رانی صوفیانه و جایگزینی اخلاق فلسفی به جای آن، صورت پذیرفت. لیکن در دومین بخش سعی گردید با تحلیل تفکرات روشنفکران مصری در آراء و نظرات سنت اسلامی، از رشد اندیشه غربی ممانعت شود.

اولین گام جهت حاشیه‌رانی تفکرات صوفیانه، کنترل ساختارهایی بود که طریقه‌های صوفیانه خارج از دایره دانشگاه *الأزهر* و در میان عامه مردم ایجاد کرده بودند. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برخی از اصلاح‌طلبان مصر به مخالفت با آنها پرداختند (الزین، ۱۴۰۵ق، ص ۵۶۱) محمد عبده در نقش مفتی مصر، به آداب صوفیه از قبیل موالید (که به مناسبت تولد پیامبر اکرم و شیوخ صوفیه برگزار می‌شد) تعریض زد. عبدالعزیز جاویش از اصلاح‌گرایان، در سال ۱۳۰۹ق/۱۸۹۲م. به توفیق بکری (شیخ صوفیه از سال ۱۳۰۹ق/۱۸۹۲م) اعتراض کرد. رشیدرضا مقالاتی در مجله المنار منتشر نمود که در آن از صوفیه به دلیل مدعای علم باطن و توجه به مزار اولیاء و کاربست آلات غنا و رقص انتقاد می‌کرد (ابوحمدان، ۱۴۱۳ق، صص ۴۰-۴۱) همچنین وی محمد توفیق بکری را به منظور اصلاح صوفیه تحت انتقاد شدید قرار داد؛ به گونه‌ای که خدیو عباس دوم حلمی در سال ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م لایحه «الطرق الصوفیه» صادر و بکری را مسئول اجرای مفاد آن قرار داد. بر اساس این لایحه «مجلس صوفیانه»، شامل بیست تن از مشایخ تشکیل می‌شد و آنان موظف به برگزیدن هشت تن از میان خود بودند. شیخ المشایخ می‌بایست از میان هشت تن، چهار تن را برمی‌گزید تا شیخ المشایخ را به‌عنوان عضو دائمی شورا در اداره امور یاری نمایند. در حقیقت، اختیارات بکری تحدید شد و دیوان اوقاف و شیوخ تکایا قدرت اجرایی یافتند (مصطفی، ۱۹۸۰م، صص ۸۹-۹۰).

نظارت دیوان اوقاف بر تکایا، به‌رغم مخالفتها توسط دولت مصطفی فهمی و با تلاش بکری در سال





۱۳۲۱ق/۱۹۰۳م حذف شد (همان، ص ۹۵) همچنین در سال ۱۳۲۳ق/۱۹۰۵م لایحه‌ای داخلی برای طریقت‌های صوفیه ابلاغ شد که برخی آداب صوفیه و حق قدم را کنار می‌نهاد (الزین، ۱۴۰۵ق، ص ۵۶۱). سپس بر اساس طرح پیشنهادی محمد مصطفی مراغی (رئیس دانشگاه الأزهر از ۱۳۰۷-۱۳۰۸ش/۱۹۲۸-

۱۹۲۹م) قرار بر این شد تا مشایخی که تحصیلات دانشگاهی نداشتند، از سرپرستی طریقت‌های صوفیه کنار روند و مشایخی با تحصیلات در الأزهر جایگزین شوند؛ لیکن به سبب به خطر افتادن شیوخ طریقت اجرایی نگردید. در سال ۱۳۲۵ش/۱۹۴۶م ملک فاروق، احمد مراد بکری را به علت فعالیت‌هایش در حمایت از جدایی طلبان سودانی، از مقام شیخ‌المشایخی بر کنار کرد و احمد ساوی (شاگرد محمد عبده) را شیخ‌المشایخ نمود (الطویل، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۱۸۵).

احمد ساوی با حمایت مفتی مصر و علمای الأزهر، از ابتدا با مشایخ طریقت‌ها مخالفت ورزید. او بندهایی از لایحه ۱۳۲۳ق/۱۹۰۵م را (که درباره رهبری موروثی طریقت‌ها بود) اصلاح و راه را برای نفوذ الأزهر باز کرد. مشایخ با اقدامات ساوی مخالفت کردند. وی با رسمیت دادن به طریقت‌های موافق، سعی کرد حمایت اعضای شورای صوفیه را جلب کند. وی در این راستا شورایی متشکل از مؤسسات اسلامی (که اغلب آنها زیر نفوذ اخوان‌المسلمین بودند) به وجود آورد.

دومین گام در جهت ترویج اخلاق فلسفی در مجله الأزهر رخ داد که در بخش مفصل‌بندی تشریح شد؛ اما دومین بخش حاشیه‌رانی در برابر عقاید غربی و روشنفکری روی داد. ظاهراً در این بخش به علت فشار دولت مصر بر جریان تقریب مذاهب اسلامی، تنها تلاش‌های علمی صورت پذیرفت و در مرحله عمل، دانشگاه الأزهر و به تبع آن مجله الأزهر کاری از پیش نبردند. تلاش‌های علمی مجله الأزهر در تلفیق، تطبیق و عرضه آرای دانشمندان اسلامی الأزهر به نمایش درآمد. یکی از اصلی‌ترین تلاش‌های این بخش

بزرگداشت و معرفی افرادی مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شاگردان او مانند محمد عبده و رشیدرضا است که در حقیقت سردمداران مبارزه با تفکرات روشنفکری غرب‌مآبانه تلقی می‌شدند (الشرقاوی، ۱۳۶۷ق، صص ۵۶۱-۵۶۵).

نتیجه‌گیری

جریان تقریب در اواسط قرن بیستم گفتمانی غالب در میان علمای شیعه و سنی در سه کشور ایران، عراق و مصر بود. محمدتقی قمی مؤسس دارالتقریب برای گسترش جریان تقریب، کشور مصر و دانشگاه الأزهر را انتخاب نمود. انتخاب قمی دارای چالش‌ها و زمینه‌های پیشین و نشان‌دهنده قدرت دانشگاه الأزهر در تقویت جریان‌ات فراگیر در دنیای اسلامی بود. مهم‌ترین زمینه در الأزهر وجود علمای شاخص و دارای فکر و اندیشه فلسفی، دینی و اخلاقی بود که در اواسط قرن بیستم به اوج باروری فکری دست یافته بودند. شیوخ الأزهر از اوایل قرن بیستم بر چارچوب دانشگاه تسلط داشتند و توانسته بودند فضای اندیشه‌ای الأزهر را از تعصبات مذهبی تا حدود زیادی پالایش نمایند. یکی از ابزارهای مهم برای پالایش و تقویت تفکرات تقریبی به دور از تعصبات مذهبی، ایجاد تضارب آراء در بطن دانشگاه و جامعه مصر بود. به همین منظور هیئت کبار علمای مصر از سال ۱۹۳۳م مجله الأزهر را با نگاه فراگیر اخلاقی و فلسفی به چاپ رساندند. منابع هویت‌بخشی به گفتمان تقریب مذاهب اسلامی در مجله الأزهر شامل قرآن و سنت نبوی، عقل و تاریخ بود که سبب بارور شدن گفتمان تقریب مذاهب گردید. دانشگاه الأزهر با چاپ مجله الأزهر در ترویج مفاهیم اخلاقی، فقه مقارن و اصل آزادی عقیده و مدینه فاضله در ترویج گفتمان تقریب مذاهب اسلامی نقش محوری داشت. مجله الأزهر بدین منظور از روش‌های غیریت‌سازی و برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی بهره برد و توانست تا حدود زیادی گفتمان‌های رقیب در دنیای

اسلام (از جمله صوفیه و جریان تجدد) را تحلیل ببرد. از جمله گفتمانهای رقیب، صوفیان بودند که در طول تاریخ تمدن اسلامی جایگاه ویژه‌ای در میان عامه داشتند. شیوخ الأزهر و مدیران مجله، به‌منظور حاشیه‌رانی صوفیه به دو شیوه ساختاری و اخلاقی دست زدند. در بخش ساختاری، مدیران دانشگاه الأزهر در تلاش بودند تا با تسلط بر شورای صوفیه، ساختار آن را در نظام دانشگاهی الأزهر هضم نمایند. از سوی دیگر ترویج گونه‌ای از اخلاق فلسفی که در قالب مدینه فاضله و تمدن اسلامی تعریف شد، جایگزینی برای اندیشه جهان وطنی صوفیه بود. در تقابل با جریان تجدد، گفتمان تقریب مذاهب اسلامی ترجیح داد به برجسته‌سازی مفاهیمی مانند هجرت و جاهلیت دست زند.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابوحمده، سمیر (۱۴۱۳ق). *الشیخ رشید رضا و الخطاب الإسلامي المعتدل*. بیروت: دارالکتب العالمی.
- احمدی، علی (۱۳۹۱ش). *الشیخ محمود شلتوت آیه الشجاعة* (ترجمه به عربی عامر شوهانی). تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- الأغانی، سلیمان (۱۳۶۵ق). *الاشعار الاندلسية و أثرها فی الشعر الأوربی*. الأزهر، ۱۷ (۹ و ۱۰)، ۴۴۷-۴۵۱.
- بروکلیمان، کارل (۱۳۵۴ق). *تاریخ العلوم المدنیة فی الأدب العربی*. الأزهر، ۶ (۶)، ۱۲۹-۱۳۵.
- بکیر، صالح (۱۳۶۵ق). *بحث فی مقارنة القوانين الوضعية بالشريعة الإسلامية الغراء*. الأزهر، ۱۷ (۹ و ۱۰)، ۴۰۴-۴۰۶.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۷ش). *همیستگی مذاهب اسلامی*. تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- تسخیری، محمدعلی (۱۳۹۱ش). *رسالت ما: تقریب در اندیشه، وحدت در عمل* (ترجمه محمد مقدس). تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- الجبالی، ابراهیم (۱۳۵۶ق). *التفسیر سورة لقمان*. الأزهر، ۸ (۸)، ۵۳۶-۵۳۹.
- الجزیری، عبدالرحمن (۱۳۵۶ق). *السنة الاخلاص*. الأزهر، ۸ (۲)، ۱۲۱-۱۲۵.
- داج، بایارد (۱۳۶۷ش). *دانشگاه الأزهر: تاریخ هزار ساله تعلیمات عالی اسلامی* (ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- الدجوی، یوسف (۱۳۵۴ق). *الشجاعة*. الأزهر، ۶ (۶)، ۲۳۵-۲۴۲.
- همو (۱۳۵۶ق). *مسألة فی الطلاق*. الأزهر، ۸ (۸)، ۵۷۰-۵۷۱.
- رمضان، عبدالجواد (۱۳۵۶ق). *ذکری المولد الشریف*. الأزهر، ۸ (۳)، ز-ح.
- زیادة، محمود محمد (۱۳۷۵ق). *من تاریخ الاسلام: الفتوح الاسلامیة الكبرى*. الأزهر، ۲۷ (۶)، ۶۶۹-۶۷۲.
- الزین، سمیح عاطف (۱۴۰۵ق). *الصوفیة فی نظر الإسلام*. بیروت: دارالکتب اللبنانی.
- الساکت، طه محمد (۱۳۷۵ق). *السنة صفحة من الجهاد النبوی*. الأزهر، ۲۷ (۱)، ۱۱-۱۵.
- السبکی، عبداللطیف (۱۳۷۵ق). *نفحات القرآن: مناجاة القرآن للعقل و للعاطفة*. الأزهر، ۲۷ (۱)، ۶-۱۰.
- السید، احمد شفیع (۱۳۷۵ق). *ذکری الهجرة النبویة الکریمة*. الأزهر، ۲۷ (۱)، ۹۱-۹۲.
- الشرقاوی، محمود (۱۳۶۷ق). *ذکری مرور خمسين سنة الشیخ جمال الدین الأفغانی مصلح دینی و زعیم سیاسی*. الأزهر، ۱۹ (۱)، ۵۶۱-۵۶۵.
- شقاقی، فتحی (۱۳۹۱ش). *شیعه و سنی غوغای ساختگی* (ترجمه سید هادی خسروشاهی). تهران:





- مجمع جهانى تقريب مذاهب اسلامى.
- شلتوت، محمود (١٣٦٩ق). حكم الشريعة فى استبدال النقد بالهدى. الأزهر، (١)٢١، ١٣-١٧.
- همو (١٣٨٠ق). من يبايع الهجرة. الأزهر، (١)٣٢، ٥-٧.
- الطويل، توفيق (١٩٨٨م). التصوف فى مصر ابان العصر العثمانى. مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- طه، عباس (١٣٥٤ق). أسرار التشريع الاسلامى و فلسفته (بحث فى الطلاق). الأزهر، (٦)٦، ٢٦٣-٢٦٩.
- همو (١٣٥٤ق). فى فلسفة الاخلاق (صلة الاخلاق بالنفس الناطقة - أثرها فى المجتمع الانسانى العام). الأزهر، (٦)٦، ٢٥٤-٢٥٨.
- همو (١٣٥٦ق). السلطان الدينية و الدنيوية كما يراهما الاسلام. الأزهر، (٩)٨، ٦٥٧-٦٥٨.
- عبدالباسط، بدر (١٣٨٤ق). الى أى مدى تتغير الأحكام الشرعية بتغير الأزمان. الأزهر، (١٠)٣٦، ٢٢-١٠٢٢.
- عبدالتواب، محمد (١٣٦٩ق). المحبة الخالصة. الأزهر، (١)٢١، ٧٨-٨٠.
- عرجون، صادق ابراهيم (١٣٥٤ق). حرية الرأى فى الاسلام. الأزهر، (٦)٦، ٤١١-٤١٧.
- غلاب، محمد (١٣٥٦ق). الاخلاق الفلسفية (الدين و قوة سلطانه على النفوس). الأزهر، (٤)٨، ٢٨٢-٢٨٥.
- همو (١٣٥٦ق). الاسلام و الفلسفة (ابن رشد). الأزهر، (٢)٨، ١١٧-١٢٠.
- همو (١٣٦٧ق). تحقيقات حول عقيدة ابن رشد. الأزهر، (١)١٩، ٥٠١-٥٠٥.
- قطب، سيد (١٣٨٤ق). معالم فى الطريق. قاهره: بى نا.
- قطب، محمد (١٣٨٤ق). جاهلية القرن العشرين. قاهره: مكتبة وهبة.
- كاستلز، مانوئل (١٣٨٠ش). عصر اطالعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هويت) (ترجمه حسن چاوشيان). تهران: طرح نو.
- متولى، سيد احمد (١٣٥٦ق). سيرة الزبير بن العوام. الأزهر، (٩)٨، ٦٣١-٦٣٤.
- محفوظ، محمد (١٣٧٥ق). لا تأكلوا لحم الخنزير. الأزهر، (٧)٢٧، ٧٧٦-٧٧٧.
- المدنى، محمد محمد (١٣٦٧ق). دعائم الاستقرار فى التشريع القرآنى. الأزهر، (١)١٩، ٨٨٥-٨٩١.
- المراغى، عبدالله (١٣٦٧ق). ابن حزم. الأزهر، (١)١٩، ٤٣٤-٤٣٧.
- المراغى، محمد مصطفى (١٣٥٦ق). الاحتفال بالمولد النبوى بالأزهر. الأزهر، (٣)٨، الف-د.
- المسيرى، محمد محيى الدين (١٣٧٥ق). نظرية الحرية فى الشريعة الاسلامية. الأزهر، (٢)٢٧، ١٥٧-١٦٦.
- مصطفى، فاروق احمد (١٩٨٠م). البناء الاجتماعى للطريقة الشاذلية فى مصر. اسكندريه: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- موسى، محمد يوسف (١٣٦٩ق). مفردات فلسفية: دين. الأزهر، (١)٢١، ٣٣-٣٦.
- ندوى، ابوالحسن على (١٤٠٨ق). ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمين. قاهره: بى نا.
- وجدى، محمد فريد (١٣٥٤ق). أساطيل المسلمين و حروبهم البحرية. الأزهر، (٦)٦، ١٩٨-٢٠٢.
- همو (١٣٥٤ق). المدنية الفاضلة فى الاسلام. الأزهر، (٦)٦، ٦٠-٦٤.
- همو (١٣٥٤ق). ذكرى الهجرة النبوية. الأزهر، (٦)٦، ٥-١٢.
- همو (١٣٥٤ق). فاتحة السنة السادسة. الأزهر، (٦)٦، ٣-٤.
- همو (١٣٥٤ق). مهمة الدين الاسلامى فى العالم (أغراضه الاجتماعية - نظرة تمهيدية فى مقومات الاجتماع). الأزهر، (٦)٦، ١٣-١٨.
- همو (١٣٥٦ق). الناحية الفلسفية فى حياة عمر بن الخطاب. الأزهر، (٨)٨، ٥٢٩-٥٣٥.
- همو (١٣٥٦ق). حكمة الصيام فى الاسلام. الأزهر، (٨)٨، ٥٦١-٥٦٣.

- همو (۱۳۵۶ق). مولد محمد خاتم المرسلین (تهیئة العلم و الفلسفة العقول و القلوب لقبول الاسلام دینا عالمیا). الأزهر، ۸(۳)، ۱۴۵-۱۵۴.
- همو (۱۳۶۷ق). الاسلام و الاشتراكية و سمو نظام الاجتماع الاسلامی على جميع النظم العالمية. الأزهر، ۱۹(۱)، ۵۸۰-۵۸۴.
- همو (۱۳۶۸ق). الشخصية المحمدية تحت ضوء المقررات النفسية الحديثة. رسالة الاسلام، ۱(۲)، ۱۵۰-۱۵۳.
- وحیدی، حمزه علی (۱۳۸۲ش). علل انحطاط مسلمانان؛ مقایسه دیدگاه‌های شهید مطهری و شیخ محمد عبده. معرفت، ۶۸(۱)، ۸۷-۹۵.
- یاسین، فکری (۱۳۶۹ق). أهداف الهجرة. الأزهر، ۲۱(۱)، ۱۸-۲۳.

